



Requirements for enhancing the deterrence of the Islamic Republic of Iran against threats from the Zionist regime

Rahbar Talei Hur¹, Hasan Jafarzadeh²



Abstract

Deterrence refers to the creation of conditions in which the adversary refrains from taking a specific action due to fear of its negative consequences. This concept holds particular significance in military, security, and foreign policy domains. Accordingly, this study examines the requirements for enhancing the deterrence capability of the Islamic Republic of Iran against threats posed by the Zionist regime. The main research question is: What requirements must the Islamic Republic of Iran consider to strengthen its deterrence against the threats of the Zionist regime? In response to this question, the research hypothesizes that strengthening national cohesion, deepening regional alliances through the Axis of Resistance, expanding public diplomacy, enhancing cyber capabilities, reinforcing intelligence and security components, and bolstering both defensive and offensive military power are among the most critical deterrence requirements that Iran must seriously consider in countering the threats posed by the Zionist regime. This study employs a descriptive-analytical method to examine the requirements for enhancing deterrence. Data has been collected through library research, and qualitative analysis has been used to evaluate deterrence policies. The findings indicate that in recent years and months, threats from the Zionist regime against the Islamic Republic of Iran and the Axis of Resistance have taken on new dimensions. To counter these threats, Iran must adopt a multi-layered deterrence strategy encompassing political, defensive, security, and cyber domains.

Keywords: Deterrence, National Cohesion, Regional Unity, Public Diplomacy, Zionist Regime.

1 - Associate Professor of International Relations, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

2 - Master Student in Regional Studies, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۱، شماره ۴، پیاپی (۱۱۸)، زمستان ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲

Home page: www.cmess.sinaweb.net

نوع مقاله: پژوهشی

الزامات ارتقاء بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات رژیم صهیونیستی

رهبر طالعی حور^۱، حسن جعفرزاده^۲



چکیده

بازدارندگی به معنای ایجاد شرایطی است که در آن طرف مقابل از انجام اقدام خاص به دلیل ترس از پیامدهای منفی آن خودداری می‌کند. این مفهوم به‌ویژه در حوزه‌های نظامی، امنیتی و سیاست خارجی اهمیت ویژه‌ای دارد. بنابراین این پژوهش به بررسی الزامات ارتقاء بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات رژیم صهیونیستی می‌پردازد. سوال اصلی پژوهش این است که جمهوری اسلامی ایران برای تقویت بازدارندگی در برابر تهدیدات رژیم صهیونیستی چه الزاماتی را باید مد نظر قرار دهد؟ در پاسخ به سؤال پژوهش فرضیه به این صورت طرح می‌گردد که تقویت انسجام ملی، تعمیق اتحادهای منطقه‌ای از طریق محور مقاومت، توسعه دیپلماسی عمومی، تقویت قدرت سایبری، تقویت مؤلفه‌های امنیتی اطلاعاتی و تقویت قدرت پدافندی و آفندی از جمله مهم‌ترین الزامات بازدارندگی است که جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات رژیم صهیونیستی باید مورد توجه جدی قرار دهد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی الزامات ارتقاء بازدارندگی می‌پردازد. داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای گردآوری و از تحلیل کیفی برای ارزیابی سیاست‌های بازدارندگی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر این امر است که در طی سال‌ها و ماه‌های اخیر تهدیدات رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت ابعاد تازه‌ای داشته و جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدات آن رژیم باید بازدارندگی چند لایه‌ای در حوزه‌های سیاسی، دفاعی، امنیتی و سایبری را مدنظر قرار دهد.

واژگان کلیدی: بازدارندگی، انسجام ملی، اتحاد منطقه‌ای، دیپلماسی عمومی، رژیم صهیونیستی.

۱- R.talei@uma.ac.ir

۱- (نویسنده مسئول) دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

Jafarzadeh98hsn@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

مقدمه

در سال‌های اخیر، خاورمیانه شاهد تحولات گسترده و پیچیده‌ای بوده که امنیت و ثبات منطقه‌ای را به چالش کشیده است. یکی از مهم‌ترین این تحولات، افزایش تنش‌ها میان ایران و رژیم صهیونیستی است که به طور فزاینده‌ای به درگیری‌های نیابتی و جنگ اطلاعاتی تبدیل شده است. با افزایش روحیه مقاومت در کشورهای مختلف منطقه از جمله عراق، سوریه و لبنان، رژیم صهیونیستی به شدت در حال تقویت قدرت نظامی و سایبری خود برای مقابله با محور مقاومت است. هم‌زمان، تحرکات نظامی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در خلیج فارس و نزدیک به مرزهای ایران نشان از تمایل این رژیم برای کنترل نفوذ ایران در منطقه دارد که این امر بی‌ثباتی بیشتری را در سطح منطقه‌ای ایجاد کرده است. تحولات منطقه‌ای پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ با حمله گسترده گروه حماس آغاز شد. این حمله که با شلیک هزاران راکت و نفوذ نیروهای مسلح از طریق زمین، هوا و دریا به مناطق فلسطین اشغالی همراه بود، بزرگ‌ترین بحران امنیتی برای رژیم صهیونیستی در دهه‌های اخیر را به وجود آورد. عملیات «طوفان الاقصی» توسط حماس به شکلی غیرمنتظره انجام شد و موجب شد تا رژیم صهیونیستی با شکست‌های اطلاعاتی و امنیتی شدیدی مواجه شود. این عملیات نه تنها باعث درگیری مستقیم میان حماس و رژیم صهیونیستی شد، بلکه به افزایش سطح تنش‌ها در کل منطقه انجامید. رژیم صهیونیستی در واکنش، حملات گسترده‌ای به غزه ترتیب داد که منجر به کشته و زخمی شدن هزاران فلسطینی شد. هم‌زمان، حزب الله لبنان نیز با حملات موشکی علیه مواضع رژیم صهیونیستی وارد درگیری شد و دامنه جنگ به شمال فلسطین اشغالی گسترش یافت. از سوی دیگر، گروه‌های مقاومت در عراق و سوریه نیز حملاتی علیه پایگاه‌های آمریکا در منطقه انجام دادند که نشان‌دهنده همگرایی بیشتر جبهه مقاومت در برابر تهدیدات رژیم صهیونیستی است. این تحولات، ماهیت درگیری‌ها را از یک تقابل محدود به یک نبرد منطقه‌ای تغییر داده و ضرورت ارتقاء بازدارندگی ایران را بیش از پیش آشکار کرده است. از آن پس، رژیم صهیونیستی به مقابله شدید با نیروهای مقاومت در نوار غزه پرداخت و جنگ به مناطق دیگر مانند لبنان نیز سرایت کرد، جایی که حزب الله به عنوان یکی از نیروهای نیابتی ایران در پاسخ به حملات رژیم صهیونیستی وارد درگیری شد. این تحولات نه تنها بر امنیت منطقه‌ای تأثیر گذاشته، بلکه راهبردهای بازدارندگی ایران نیز تحت الشعاع قرار گرفته است. ایران با حمایت از نیروهای نیابتی خود در منطقه تلاش می‌کند تا از طریق جنگ‌های نامتقارن و گسترش نفوذ خود در خاورمیانه، موازنه قدرت را به نفع خود تغییر دهد و بازدارندگی خود را در برابر تهدیدات رژیم صهیونیستی تقویت کند.

بازدارندگی به عنوان یکی از مؤلفه‌های حیاتی در استراتژی‌های امنیت ملی کشورها شناخته می‌شود. این مفهوم که در معمای امنیتی خاورمیانه برجسته است، نقشی اساسی در مواجهه با تهدیدات رژیم صهیونیستی برای جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کند. از آنجا که ایران و رژیم صهیونیستی به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی، دارای تضاد منافع در اهداف سیاست خارجی هستند، هر دو برای تقویت بازدارندگی و ایجاد یک توازن قوا در منطقه تلاش‌های جدی کرده‌اند (غفاری‌زاده، ۱۴۰۱). اما تحولات ماه‌های اخیر و اقدام نظامی رژیم صهیونیستی در غزه و جنوب لبنان و همچنین ترورهای رهبران جبهه مقاومت زنگ خطری را برای جمهوری اسلامی ایران به صدا در آورد که برای مقابله با تهدیدات آن رژیم باید قدرت بازدارندگی خود را در حوزه‌های مختلف ارتقاء دهد و همین امر اهمیت و ضرورت نگارش این مقاله را با هدف کمک به ارتقاء بازدارندگی برای حفاظت از منافع ملی را نشان می‌دهد. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی الزامات ارتقاء بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در قبال تهدیدات رژیم صهیونیستی انجام می‌گیرد. سوال اصلی این پژوهش عبارت است از: جمهوری اسلامی ایران برای ارتقاء بازدارندگی در برابر تهدیدات رژیم صهیونیستی چه الزاماتی را باید مدنظر قرار دهد؟ در پاسخ به سوال پژوهش، فرضیه اصلی بر این اصل استوار است که ایران باید با تقویت انسجام ملی، تعمیق اتحادهای منطقه‌ای از طریق محور مقاومت، توسعه دیپلماسی عمومی، تقویت قدرت سایبری و ارتقاء مؤلفه‌های امنیتی اطلاعاتی و تقویت قدرت پدافندی و آفندی، به بازدارندگی مؤثر دست یابد. سازماندهی مقاله به این صورت خواهد بود که ابتدا به بررسی مبانی نظری مرتبط با بازدارندگی پرداخته خواهد شد تا چارچوب مفهومی مطالعه به درستی مشخص گردد. سپس به چرایی ارتقاء بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران اشاره و در ادامه و در بخش مهم مقاله، الزامات ارتقاء بازدارندگی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

پیشینه تحقیق

مطالعات پیشین درباره بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که این مفهوم همواره تحت تأثیر تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. با توجه به تغییرات راهبردی در محیط امنیتی خاورمیانه، به‌ویژه پس از عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳، بررسی الزامات جدید بازدارندگی اهمیت بیشتری یافته است. پژوهش‌های مختلفی به بررسی نقش محور مقاومت، توان سایبری و راهبردهای نظامی ایران پرداخته‌اند، اما با توجه به تحولات اخیر، ضروری است که این الزامات از منظر جدیدی بازبینی شوند. در این بخش، به مرور مهم‌ترین مطالعات انجام شده در این

زمینه پرداخته و جایگاه پژوهش حاضر در میان آنها تبیین خواهد شد.

بهرامی و عراقچی در مقاله‌ای با عنوان «تهدیدات جدید امنیتی رژیم صهیونیستی» به تحلیل راهبردهای ایران در مقابله با تهدیدات رژیم صهیونیستی پرداخته و به طور خاص بر اهمیت اتحادهای منطقه‌ای نظیر محور مقاومت تأکید کرده است. نویسندگان نشان داده‌اند که محور مقاومت از طریق حضور نیروی‌های نیابتی نظیر حزب‌الله و گروه‌های شبه نظامی در عراق و سوریه، به‌عنوان ابزاری کلیدی در تقویت بازدارندگی ایران عمل کرده است. در مقایسه با پژوهش حاضر، این مقاله تمرکز بیشتری بر تحلیل تهدیدات مستقیم رژیم صهیونیستی دارد و کمتر به جنبه‌های دیپلماتیک و انسجام ملی در بازدارندگی پرداخته است (بهرامی و عراقچی، ۱۳۹۶).

شمس دولت‌آبادی و عسگری در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر ژئوپلیتیک سوریه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با رژیم صهیونیستی» به بررسی نقش حضور نظامی ایران در سوریه و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ایران با تعمیق حضور خود در سوریه و حمایت از دولت‌های محلی، توانسته است بازدارندگی خود را در برابر تهدیدات رژیم صهیونیستی تقویت کند. تفاوت این مقاله با پژوهش حاضر در تمرکز آن بر اهمیت حضور نظامی مستقیم ایران در سوریه است، در حالی که پژوهش حاضر علاوه بر قدرت نظامی، بر دیپلماسی عمومی و انسجام ملی نیز تأکید دارد (شمس دولت‌آبادی و عسگری، ۱۳۹۸).

احمدی در مقاله‌ای با عنوان «جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی: تقابل راهبردی» به تحلیل استراتژی‌های جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدات رژیم صهیونیستی از طریق محور مقاومت و استفاده از نیروهای نیابتی پرداخته است. احمدی نشان داده که ایران با به کارگیری گروه‌های نیابتی مانند حزب‌الله و حماس، توانسته است تهدیدات رژیم صهیونیستی را کنترل و تضعیف کند. این مقاله بیشتر بر رویکرد نظامی و نیابتی ایران متمرکز است، در حالی که پژوهش حاضر جنبه‌های دیپلماتیک و داخلی بازدارندگی را نیز مورد توجه قرار داده است (احمدی، ۱۳۹۸).

زنجان‌ی در مقاله‌ای با عنوان «راهبردهای مقابله با تهاجم هوایی رژیم صهیونیستی» به بررسی راهبردهای دفاعی ایران برای مقابله با تهدیدات هوایی رژیم صهیونیستی پرداخته و به نقش فناوری‌های نوین دفاعی مانند موشک‌های بالستیک و سیستم‌های پدافند هوایی در افزایش توان بازدارندگی اشاره کرده است. پژوهش حاضر علاوه بر جنبه‌های نظامی، به ابعاد اجتماعی، دیپلماتیک و منطقه‌ای بازدارندگی نیز توجه دارد و راهبردهای جامع‌تری ارائه می‌دهد (زنجان‌ی، ۱۳۹۹).

صوفان^۱ در مقاله‌ای با عنوان «قاسم سلیمانی و استراتژی منحصر به فرد منطقه‌ای ایران» به بررسی نقش سردار قاسم سلیمانی و استراتژی منطقه‌ای ایران پرداخته است. در این مقاله سردار سلیمانی به عنوان معمار اصلی سیاست‌های نظامی و امنیتی ایران در منطقه معرفی شده و نویسنده به تشریح چگونگی ایجاد محور مقاومت و تقویت توان بازدارندگی ایران از طریق این محور پرداخته است. مقاله به نقش نیروی قدس و اقدامات ایران در عراق، سوریه و لبنان اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه این اقدامات به تقویت توان بازدارندگی ایران در مقابل رژیم صهیونیستی کمک کرده است (Soufan, 2018).

طباطبائی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «نیروهای نیابتی ایران قدرتمندتر از همیشه» به بررسی نقش گروه‌های نیابتی ایران در خاورمیانه پرداخته و تأثیر آنها در تقویت قدرت بازدارندگی ایران را بررسی می‌کند. نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که گروه‌های نیابتی ایران، نظیر حزب‌الله به عنوان ابزارهای استراتژیک ایران برای مقابله با تهدیدات رژیم صهیونیستی و آمریکا به کار گرفته می‌شوند. این پژوهش به‌خصوص بر تأثیرگذاری نیابتی‌ها در جلوگیری از توسعه نفوذ رژیم صهیونیستی در منطقه تأکید دارد (Tabatabai et al, 2019).

کاتز^۲ در مقاله‌ای با عنوان «محور رو به رشد: استراتژی منطقه‌ای در حال تحول ایران و مشارکت‌های غیر دولتی در خاورمیانه» به تحلیل استراتژی‌های منطقه‌ای ایران و نقش آن در ایجاد و تقویت محور مقاومت پرداخته است. نویسنده به چگونگی گسترش نفوذ ایران در خاورمیانه از طریق گروه‌های غیر دولتی مانند حزب‌الله و حوثی‌ها می‌پردازد و نشان می‌دهد که این اتحادها به عنوان یک ابزار بازدارنده در برابر رژیم صهیونیستی و آمریکا عمل کرده‌اند (Katz, 2018).

بررسی پیشینه‌های موجود نشان می‌دهد، اگرچه پژوهش‌های مختلفی به نقش محور مقاومت و اتحادهای منطقه‌ای در قالب بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران پرداخته، اما پژوهش حاضر با تمرکز خاص بر الزامات ارتقاء بازدارندگی ایران در برابر تهدیدات رژیم صهیونیستی، به ارائه راهکارهای جدید و جامعی در این زمینه می‌پردازد.

1 - Soufan

2 - Katz

مبانی نظری

نظریه بازدارندگی یکی از پایه‌های اصلی در تفکرات رئالیستی روابط بین‌الملل است. این نظریه بر این اساس است که دولت‌ها در یک سیستم آنارشیک جهانی عمل می‌کنند که در آن هر کشوری مسئول حفاظت از خود است، زیرا هیچ مرجع عالی‌تری برای تضمین امنیت و صلح بین‌المللی وجود ندارد (ساعد، ۱۳۸۹: ۳۱). در این فضای آنارشیک، کشورها به بازدارندگی به عنوان یکی از موثرترین ابزارها برای حفظ امنیت و جلوگیری از جنگ روی می‌آورند. مفهوم بازدارندگی در اینجا به معنای جلوگیری از حمله دشمن با تهدید به اعمال مجازات‌های شدید در صورت اقدام به حمله است (قاسمی، ۱۳۸۸: ۶۳). به عبارتی دیگر، هدف بازدارندگی افزایش هزینه‌های حمله احتمالی دشمن تا حدی است که آنها از انجام آن صرف نظر کنند. نظریه بازدارندگی بر اساس سه مفهوم کلیدی توانایی، اعتبار و اراده توسعه یافته است:

اولین عنصر بازدارندگی، توانایی نظامی و اقتصادی یک کشور برای اجرای تهدیدات خود است. یک کشور تنها زمانی می‌تواند دشمن خود را باز دارد که از لحاظ نظامی و اقتصادی توانایی کافی برای پاسخ به تهدیدات را داشته باشد (فرهادی و یزدانی، ۱۳۹۸: ۱۶). به عبارت دیگر، توانایی بازدارندگی بر اساس قدرت نظامی و اقتصادی آن کشور سنجیده می‌شود.

دومین عنصر کلیدی بازدارندگی اعتبار تهدیدات یک کشور است. اگر دشمن باور نکند که کشور بازدارنده واقعا به تهدیدات خود عمل خواهد کرد، بازدارندگی موثر نخواهد بود. بنابراین، یک کشور باید با نمایش‌های عملی و قابل مشاهده از قدرت خود نشان دهد که تهدیداتش واقعی هستند (همان: ۱۷).

عنصر سوم اراده سیاسی یک کشور برای استفاده از قدرت خود در صورت نیاز است. دولت بازدارنده باید به وضوح نشان دهد که از منافع خود در مقابل حملات دشمن دفاع خواهد کرد و در صورت تجاوز، واکنش تلافی‌جویانه نشان خواهد داد. این عنصر معمولاً از طریق بیانیه‌های سیاست خارجی، مانورهای نظامی و دیپلماسی عمومی تقویت می‌شود.

نظریه بازدارندگی به طور ویژه با نظریه‌های رئالیستی هم‌خوانی دارد. رئالیسم سیاسی بر این باور است که قدرت و امنیت اصلی‌ترین اهداف دولت‌ها در نظام بین‌المللی هستند و محیط بین‌الملل اساساً رقابتی و خطرناک است (قاسمی، ۱۳۸۸: ۶۶). در چنین محیطی، دولت‌ها برای حفظ بقا و تامین امنیت خود به افزایش قدرت نظامی و ایجاد ائتلاف‌های استراتژیک روی می‌آورند. این نظریه بیان می‌کند که

کشورها باید همیشه برای مقابله با تهدیدات بالقوه آماده باشند و بازدارندگی ابزاری کلیدی برای جلوگیری از جنگ است (متقی و ملکی عزین آبادی، ۱۳۹۹: ۲۹۲).

بازدارندگی^۱ به عنوان یکی از مهم ترین اصول استراتژیک در سیاست خارجی، به معنای جلوگیری از حمله دشمن از طریق ایجاد ترس از پاسخ تلافی جویانه یا غیر قابل تحمل است. این مفهوم در چارچوب نظریه رئالیسم به طور ویژه مورد بررسی قرار می گیرد (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۱۴). رئالیسم بر این باور است که جهان در وضعیت آنارشی قرار دارد و دولت ها برای تضمین بقا و امنیت خود، به تقویت قدرت نظامی و ایجاد ائتلاف های استراتژیک می پردازند. بازدارندگی در این چارچوب نقش کلیدی در سیاست خارجی ایفا می کند (Brodie, 1959: 181). بازدارندگی به معنای افزایش هزینه های ممکن برای دشمن به شکلی است که او از انجام حمله خودداری کند. بازدارندگی به دو نوع عمده تقسیم می شود: بازدارندگی توسط مجازات^۲ و بازدارندگی توسط انکار^۳. در بازدارندگی توسط مجازات، کشور بازدارنده تهدید به پاسخ تلافی جویانه می کند که می تواند هزینه های سنگینی برای دشمن به همراه داشته باشد. در بازدارندگی توسط انکار، کشور بازدارنده با ایجاد توانایی های دفاعی به دشمن القا می کند که حمله او بی فایده خواهد بود (Jervis, 1979: 291).

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با هدف بررسی الزامات تقویت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات رژیم صهیونیستی، از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بهره می گیرد. روش شناسی این پژوهش با رویکرد کیفی و با ترکیب روش های توصیفی و تحلیلی امکان بررسی جامع و دقیق موضوع بازدارندگی را فراهم می کند. این پژوهش با تمرکز بر ابعاد مختلف بازدارندگی، از توانایی تحلیل داده های پیچیده و استراتژیک بهره برده تا به یک نتیجه گیری جامع و قابل اتکا دست یابد.

تجزیه و تحلیل یافته ها

۱. چرایی لزوم ارتقاء بازدارندگی

دشمنی رژیم صهیونیستی با ایران یکی از طولانی ترین منازعات در منطقه خاورمیانه است که ریشه در مسائل تاریخی، سیاسی و ایدئولوژیک دارد. رژیم صهیونیستی از ابتدای تأسیس خود با نگرانی از نفوذ

1 - Deterrence

2 - Deterrence by Punishment

3 - Deterrence by Denial

و قدرت‌گیری ایران در منطقه، همواره به دنبال محدود کردن نقش ایران در معادلات خاورمیانه بوده است. این دشمنی، با انقلاب اسلامی ایران و تأکید بر حمایت از آرمان فلسطین و مخالفت با اشغالگری رژیم صهیونیستی تشدید شد.

تهدیدات رژیم صهیونیستی علیه ایران در سال‌های اخیر از شکل‌گیری ائتلاف‌های بین‌المللی تا اقدامات مستقیم نظامی و اطلاعاتی متنوع بوده است. این تهدیدات شامل عملیات خرابکاری در تأسیسات هسته‌ای ایران، ترور دانشمندان هسته‌ای و تلاش‌های مکرر برای اعمال فشار دیپلماتیک بر جمهوری اسلامی بوده است (صفی‌پور و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۶۳). افزون بر این، رژیم صهیونیستی به طور مداوم از توانمندی‌های نظامی خود برای تهدید مستقیم به حمله علیه تأسیسات هسته‌ای ایران استفاده کرده و به بهانه نگرانی از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، سعی در ایجاد فشارهای بین‌المللی علیه ایران داشته است (صادقی و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۹). از این رو برخی تصور می‌کنند که سلاح هسته‌ای نمادی در جهت کنترل جنگ است (شلینگ، ۱۴۰۱: ۲۱۰). بعد از عملیات ولی با توجه به تحولات اخیر شاهد کنش واکنش‌های غیر سازنده در این بین بوده‌ایم. بنابراین ارتقای بازدارندگی ایران یک مسئله راهبردی حیاتی است که به دلیل حفظ امنیت ملی، ثبات منطقه‌ای و مقابله با تهدیدات خارجی متعدد می‌تواند به‌عنوان یکی از اهداف اصلی سیاست‌های دفاعی و امنیتی کشور تلقی شود. یکی از مهم‌ترین دلایل لزوم ارتقای بازدارندگی، تغییرات سریع و پیچیده محیط امنیتی منطقه خاورمیانه است که با عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ ابعاد تازه‌ای داشته است. بعد از این عملیات منطقه با تنش‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی گسترده‌ای روبه‌رو شده و محور مقاومت با از دست دادن برخی رهبران و فرماندهان خود دچار ضعف شد. رژیم صهیونیستی با حمایت سیاسی و تسلیحاتی آمریکا و بدون نگرانی از تضعیف توان نظامی خود به گسترش جنگ و تنش در منطقه دامن زد که اشغال خاک سوریه پس از سرنگونی دولت بشار اسد نشان داد ضعف کشورهای منطقه و محور مقاومت، فرصت خوبی را برای گسترش تنش و درگیری توسط این رژیم فراهم ساخته که به قدرت رسیدن مجدد ترامپ و حمایت کامل ایشان از آن رژیم می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را با تهدید جدی از سوی رژیم صهیونیستی مواجه سازد که در این شرایط، ایران نیازمند تقویت توانایی‌های نظامی و بازدارندگی خود برای پیشگیری از هرگونه اقدام تهدیدآمیز است.

۲. الزامات ارتقاء بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران

یکی از مهم‌ترین موارد ارتقاء بازدارندگی ایران، وجود تهدیدات نظامی مستقیم از سوی رژیم

صهیونیستی است. ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خود در خاورمیانه و قرار گرفتن در برابر ائتلاف‌های نظامی گسترده، همواره در معرض حملات نظامی قرار داشته است. رژیم صهیونیستی با توسعه سیستم‌های توان هوایی هدفمند علیه زیرساخت‌های حیاتی ایران و ضربه‌های مختلف در یک دهه اخیر، ایران را به‌عنوان یک تهدید استراتژیک مهم تلقی کرده است. (صادقی و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۰). از این رو طبق مؤلفه‌های بازدارندگی، عناصر توانایی، اعتبار و اراده، سبب التزام ارتقاء، بازدارندگی از طریق روش‌های متقارن و غیر متقارن می‌شود. جمهوری اسلامی ایران برای ارتقاء بازدارندگی خود در برابر تهدیدات مستقیم و غیر مستقیم رژیم صهیونیستی و تامین امنیت ملی، باید الزاماتی را مد نظر قرار دهد که در ادامه این الزامات مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) تقویت ظرفیت‌های داخلی نظیر وحدت و انسجام ملی

اولین بخش از الزامات بازدارندگی مؤثر ایران، ایجاد وحدت و انسجام ملی است. از منظر رئالیسم، دولتی که از حمایت گسترده داخلی و یکپارچگی ملی برخوردار هستند، می‌توانند به نحو مؤثرتری در برابر تهدیدات خارجی مقاومت کنند. جمهوری اسلامی ایران با توجه به سابقه تاریخی و ارزش‌های ایدئولوژیک، توانسته است اتحاد نسبی در داخل کشور ایجاد کند و از این طریق به تقویت امنیت و کاهش آسیب‌پذیری‌های داخلی بپردازد. انسجام ملی نه تنها به دولت امکان می‌دهد که در مواقع بحرانی، اقدامات دفاعی خود را به بهترین نحو اجرا کند، بلکه پیام قدرت و ثبات را به دشمنان ارسال می‌کند که این خود عاملی بازدارنده است (بهرامی و عراقچی، ۱۳۹۶: ۱۴۴).

وحدت و همبستگی داخلی به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی قدرت نرم ایران، نقش مهمی در ارتقای بازدارندگی دارد (کشوردوست و نادم، ۱۳۹۱: ۴۷). در محیط آنارشیک روابط بین‌الملل، دولتی که دارای همبستگی و پشتیبانی قوی داخلی هستند، می‌توانند در مواجهه با تهدیدات خارجی به شکلی مؤثرتر عمل کنند. به عبارت دیگر، توانایی یک دولت در بسیج منابع داخلی و ایجاد اتحاد میان نهادهای مختلف جامعه، آن را قادر می‌سازد تا به تهدیدات پاسخ مناسبی بدهد و از نظر دشمنان، هزینه حمله را افزایش دهد؛ به‌ویژه در شرایط تهدیدات رژیم صهیونیستی، انسجام ملی ایران یکی از مؤلفه‌های حیاتی برای مقابله با فشارهای خارجی و حفظ استقلال سیاسی به شمار می‌رود (بهرامی و عراقچی، ۱۳۹۶: ۱۵۵).

تحلیل منابع علمی داخلی نشان می‌دهد که ایران از طریق تکیه بر ایدئولوژی انقلاب اسلامی و همبستگی درونی بین نیروهای مختلف سیاسی و اجتماعی توانسته است نقش مهمی در مقابله با تهدیدات بازی

کند. حمایت گسترده مردمی و حضور موثر نهادهای انقلابی در بسیج جامعه، به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی بازدارندگی داخلی شناخته می‌شود. این امر به دشمنان این پیام را می‌دهد که تلاش برای تضعیف ایران از درون، به دلیل همبستگی ملی و حمایت مردمی از نظام سیاسی، ناکام خواهد ماند (دهشیری و بهرامی، ۱۳۹۵: ۱۴۴). البته در سال‌های اخیر مشکلات موجود در بخش‌های اقتصادی جامعه، نگرانی‌هایی را برای از هم گسیختگی در جامعه به وجود آورده که جمهوری اسلامی ایران باید تلاش کند با تقویت توانمندی‌های کشور در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... و از بین بردن چالش‌ها و مشکلاتی که انسجام داخلی را تضعیف می‌نماید، پایداری و دوام خود را حفظ نماید. موفقیت در الزامات دیگر که در ادامه مورد بحث قرار خواهد گرفت مستلزم وحدت ملی و انسجام داخلی است و تا زمانی که چنین شرایطی در کشور به وجود نیاید سایر سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در منطقه تحت الشعاع قرار خواهد گرفت.

ب) تعمیق اتحادهای منطقه‌ای از طریق محور مقاومت

دومین الزامات بازدارندگی ایران، تقویت و تعمیق اتحادهای منطقه‌ای به‌ویژه از طریق محور مقاومت است. محور مقاومت به عنوان مجموعه‌ای از گروه‌های شبه نظامی و دولتی در منطقه خاورمیانه که مورد حمایت ایران هستند، نقش کلیدی در استراتژی بازدارندگی تهران ایفا می‌کنند. این محور شامل حزب الله لبنان، حماس در فلسطین و گروه‌های شبه نظامی در عراق، سوریه و یمن است. این نیروها نه تنها در مقابله با تهدیدات رژیم صهیونیستی و آمریکا نقش دارند، بلکه به عنوان بازوی استراتژیک ایران برای پیشبرد منافع منطقه‌ای و دفاع از حاکمیت خود عمل می‌کنند (زنجانی، ۱۳۹۹: ۸۸).

محور مقاومت به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نقشی کلیدی در تعمیق اتحادهای منطقه‌ای دارد (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۲۲). این محور که شامل مجموعه‌ای از کشورها و گروه‌های مقاومت مانند حزب الله لبنان، حشدالشعبی عراق و انصارالله یمن است، به صورت مستقیم با تهدیدات امنیتی در منطقه مقابله می‌کند. یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری این محور، مقاومت در برابر نفوذ و سلطه‌جویی‌های رژیم صهیونیستی و ایالات متحده است (گلشنی و باقری، ۱۳۹۱: ۱۳۳). ایجاد محور مقاومت، به ایران اجازه داده تا در برابر این تهدیدات جبهه‌ای متحد و مؤثر ایجاد کند که موجب تضعیف نفوذ دشمنان در منطقه شده است. همکاری‌های سیاسی، امنیتی و نظامی میان اعضای این محور، به عنوان ابزاری حیاتی برای مهار تهدیدات و حفظ امنیت منطقه‌ای عمل می‌کند (Yadlin, 2020: 38).

از این منظر، بازدارندگی و نفوذ گسترده ایران در این کشورها از طریق محور مقاومت، قدرت پاسخگویی ایران را به تهدیدات افزایش داده است (دهشیری و بهرامی، ۱۳۹۵: ۱۴۱). برای مثال، تقویت حزب الله در لبنان، رژیم صهیونیستی را به شدت نگران کرده و این موضوع به عنوان یکی از ابزارهای بازدارنده اصلی ایران در برابر حملات احتمالی رژیم صهیونیستی مطرح است. بازدارندگی نامتقارن ایران، که بر مبنای استفاده از گروه‌های نیابتی در مناطق استراتژیک قرار دارد، باعث شده که دشمنان ایران از ترس حملات غیر منتظره و واکنش‌های منطقه‌ای از حمله به ایران خودداری کنند (احمدی، ۱۳۹۸: ۲۹).

بنابراین مطابق با نظریه بازدارندگی هم‌افزایی و تعمیق استراتژیک با اعضای مقاومت یکی از مهم‌ترین الزامات ارتقاء بازدارندگی محسوب می‌شود که از چند جنبه دارای اهمیت است؛ نخست، هم‌افزایی استراتژیک میان اعضای محور مقاومت یک عامل مهم در افزایش عمق استراتژیک ایران در منطقه است. همکاری و هماهنگی بین گروه‌های مختلف این محور، به ایران امکان می‌دهد تا بدون نیاز به حضور مستقیم در تمامی مناطق، از نفوذ گسترده‌ای برخوردار باشد. گروه‌هایی مانند حزب الله لبنان و نیروهای حشدالشعبی عراق به عنوان نمایندگان نیابتی ایران، نقش مهمی در حفظ ثبات منطقه‌ای و مقابله با گروه‌های تروریستی و نیروهای متخاصم ایفا کرده‌اند. این هم‌افزایی منجر به شکل‌گیری یک شبکه دفاعی پیچیده و چندلایه شده که از طریق آن، ایران توانسته است از منافع استراتژیک خود در منطقه حفاظت کند و مانع از گسترش نفوذ قدرت‌های بیگانه شود (Hatoum, 2020: 172).

دوم، تقویت همکاری‌های نظامی و امنیتی از دیگر جنبه‌های مهم تعمیق اتحادهای محور مقاومت است. ایران به عنوان یکی از اصلی‌ترین حامیان نظامی گروه‌های مقاومت، نقش اساسی در تجهیز و آموزش این نیروها داشته است. این همکاری‌ها، به گروه‌های محور مقاومت این امکان را داده که به طور مستقل از دولت‌های محلی خود، در برابر تهدیدات خارجی مقاومت کنند. به عنوان مثال، حزب الله لبنان توانسته است با استفاده از حمایت‌های ایران، به یک نیروی نظامی و سیاسی قدرتمند در منطقه تبدیل شود که توانایی مقابله با ارتش رژیم صهیونیستی را دارد. این تعمیق همکاری‌های نظامی نه تنها به افزایش توان دفاعی گروه‌های مقاومت منجر شده، بلکه از نظر استراتژیک به ایران این امکان را داده تا در مقابل هر گونه تهدید مستقیم، با یک جبهه گسترده و متحد مواجه شود (حکیم، ۱۳۹۹: ۷۰).

در نهایت، ابعاد ژئوپلیتیکی تعمیق اتحادهای محور مقاومت نیز قابل توجه است. با گسترش این اتحادها،

ایران توانسته است نفوذ خود را از خلیج فارس تا مدیترانه گسترش دهد و به یک بازیگر اصلی در معادلات امنیتی و سیاسی منطقه تبدیل شود (محمدی کیا و شاکر، ۱۴۰۱: ۲۰).

این نفوذ گسترده به ایران اجازه داده که در برابر ائتلاف‌های منطقه‌ای مانند ناتو و ائتلاف عربی-غربی که به دنبال محدود کردن قدرت ایران هستند، مقاومت کند. تعمیق اتحادهای منطقه‌ای از طریق محور مقاومت به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در حفظ توازن قوا و جلوگیری از نفوذ قدرت‌های بیگانه در منطقه عمل می‌کند (Hatoum, 2020: 172).

پس از عملیات ۷ اکتبر، محور مقاومت به شکلی سازمان‌یافته‌تر وارد معادلات نظامی و امنیتی منطقه شد. حزب الله لبنان حملات موشکی دقیقی به مواضع راهبردی اسرائیل انجام داد و توانایی خود را در جنگ نامتقارن بیش از پیش نشان داد. همچنین، گروه‌های مقاومت در عراق و سوریه با استفاده از پهپادهای پیشرفته و حملات راکتی، حضور نظامی آمریکا در منطقه را به چالش کشیدند. این اقدامات نشان داد که محور مقاومت اکنون دارای توانمندی عملیاتی گسترده‌تری است و قادر است به‌عنوان یک نیروی بازدارنده مؤثر عمل کند. در این راستا، ایران باید از طریق حمایت تسلیحاتی، اطلاعاتی و دیپلماتیک، اتحادهای محور مقاومت را بیش از پیش تقویت کند و هماهنگی‌های نظامی میان این گروه‌ها را افزایش دهد.

وضع موجود نشان می‌دهد که محور مقاومت اگرچه در سال‌های اخیر توانسته است به یک عامل بازدارنده مهم تبدیل شود، اما با ضعف‌هایی همراه است. از جمله این ضعف‌ها می‌توان به مشکلات مالی و لجستیکی در برخی از گروه‌های مقاومت اشاره کرد که به دلیل فشارهای اقتصادی و تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و متحدانش رخ داده است. این مسئله باعث شده برخی از این گروه‌ها در مواجهه با حملات رژیم صهیونیستی و تهدیدات آمریکا نتوانند واکنش‌های مؤثری نشان دهند.

پ) تقویت دیپلماسی عمومی و تعامل با کشورهای منطقه

سومین الزامات بازدارندگی ایران، تقویت دیپلماسی عمومی و ایجاد پیوندهای استراتژیک با کشورهای منطقه‌ای است که مخالف سیاست‌های تک قطبی آمریکا و رژیم صهیونیستی هستند. سیاست‌های چند جانبه‌گرایی و تقویت روابط با سایر کشورهایی منطقه، به ایران اجازه می‌دهد که خود را به‌عنوان بازیگر مستقل و مقاوم در برابر فشارهای غربی معرفی کند (فرهادی و یزدانی، ۱۳۹۸: ۳۱). از منظر رئالیسم، دیپلماسی عمومی یکی از ابزارهای مهم در سیاست خارجی برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی بین‌المللی و داخلی است. ایران از این طریق توانسته است جایگاه خود را در صحنه بین‌المللی تقویت کند و با

بهره‌گیری از ابزارهای دیپلماتیک، تهدیدات سیاسی و نظامی رژیم صهیونیستی و آمریکا را مدیریت کند (موسوی، ۱۳۹۴: ۷۱).

برای تحلیل تخصصی دیپلماسی عمومی و تعامل با کشورهای منطقه از منظر جمهوری اسلامی ایران، باید به تأثیرات و استراتژی‌های این سیاست در تقویت بازدارندگی ملی و منطقه‌ای اشاره کرد، چرا که بر اساس نظریه بازدارندگی، مؤلفه و عنصر اراده، اعتبار و توانایی، ماحصل سیاست‌های اعلامی جمهوری اسلامی ایران است؛ از این رو، تعامل با کشورهای منطقه در جهت اثبات اراده، اعتبار و توانایی جمهوری اسلامی ایران در امر بازدارندگی و ایفای نقش این کشور برای حفظ امنیت و استقلال ملی است. بنابراین به استراتژی‌های این سیاست در امر بازدارندگی اشاره می‌کنیم:

دیپلماسی عمومی یکی از ارکان مهم سیاست خارجی ایران است که از طریق آن تلاش می‌شود پیام مقاومت و استقلال ایران به جهان مخابره شود. بر خلاف دیپلماسی رسمی که تنها از طریق روابط بین دولت‌ها صورت می‌گیرد، دیپلماسی عمومی مستقیماً افکار عمومی، رسانه‌ها و نهادهای غیر دولتی را هدف قرار می‌دهد (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۱۹). ایران با استفاده از رسانه‌های منطقه‌ای نظیر شبکه‌های ماهواره‌ای و اجتماعی، تصویر مثبتی از خود به‌عنوان قدرتی مقاوم و مستقل در برابر فشارهای غربی و رژیم صهیونیستی به نمایش گذاشته است. این راهبرد به‌ویژه در مواقعی که رژیم صهیونیستی تهدیدات نظامی علیه ایران مطرح می‌کند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چرا که توانسته هزینه‌های سیاسی و دیپلماتیک هر گونه حمله احتمالی را برای این رژیم افزایش دهد.

تعاملات ایران با قدرت‌های جهانی مانند روسیه و چین نه تنها در تقویت دیپلماسی عمومی مؤثر بوده، بلکه به‌عنوان ابزاری برای تقویت بازدارندگی نیز عمل کرده است. این تعاملات استراتژیک، به ایران این امکان را داده که با ایجاد ائتلاف‌های غیر رسمی و استفاده از حمایت‌های بین‌المللی، در برابر فشارهای غربی و رژیم صهیونیستی مقاومت کند. روسیه و چین به‌عنوان دو قدرت جهانی که سیاست‌های ضد غربی دارند، توانسته‌اند با ارائه کمک‌های نظامی و اقتصادی به ایران، توازن قوا در منطقه را به نفع جمهوری اسلامی تغییر دهند (موسوی، ۱۳۹۴: ۶۸). همکاری‌های نظامی بین ایران و روسیه به‌ویژه در جنگ سوریه نشان‌دهنده تعامل استراتژیک دو کشور برای مقابله با تهدیدات مشترک منطقه‌ای است (آجرلو و حاج زرگرباشی، ۱۳۹۶: ۳۳). از منظر بازدارندگی، چنین تعاملاتی به ایران امکان داده است که از مزایای چند جانبه‌گرایی برای تقویت جایگاه خود در منطقه استفاده کند و به نوعی موازنه قدرت در برابر رژیم صهیونیستی و آمریکا ایجاد کند. این تعاملات به‌ویژه در حوزه‌های

تسلیماتی و انرژی، نقش کلیدی در تقویت بازدارندگی ایران داشته‌اند.

ت) تقویت قدرت سایبری در بازدارندگی

منطقه خاورمیانه و علی‌الخصوص ایران و رژیم صهیونیستی، تعارضات چند وجهی را در بحث امنیت ملی تجربه می‌کنند. از این رو حملات سایبری نظیر: ایجاد نقص سایبری در خط توزیع سوخت شرکت ملی نفت ایران از جمله مهم‌ترین تجربه ایران در بحث نقش فعال قدرت سایبری در منطقه است که چندین بار توسط رژیم صهیونیستی مورد حمله سایبری قرار گرفته است.

ایران علاوه بر استفاده از توانایی‌های نظامی و اتحادهای منطقه‌ای، به‌شدت بر قابلیت‌های سایبری و جنگ‌های اطلاعاتی نیز متکی است، چرا که بر اساس نظریه بازدارندگی، عنصر توانایی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های بازدارندگی در عصر کنونی می‌باشد. به همین جهت این توانایی‌ها به ایران اجازه داده است که حملات سایبری علیه زیرساخت‌های حیاتی رژیم صهیونیستی انجام داده و عملکرد اقتصادی و نظامی آن را به‌شدت مختل کند. استفاده از این ابزارهای سایبری به‌عنوان یکی از ابزارهای غیر متعارف بازدارندگی، نشان‌دهنده پیچیدگی‌های جدید در نبردهای غیر مستقیم و نامتقارن است. با این وجود، نقاط ضعف موجود در توانایی سایبری ایران شامل محدودیت‌های تکنولوژیکی و وابستگی به فناوری‌های خارجی است که ایران را در برخی از حوزه‌ها آسیب‌پذیر می‌کند. تحریم‌های بین‌المللی و محدودیت‌های دسترسی به تجهیزات و نرم‌افزارهای پیشرفته سایبری، سبب شده‌اند که توسعه فناوری‌های سایبری بومی به‌کندی پیش برود و در نتیجه ایران نتواند در برخی حوزه‌ها به سطح مطلوب بازدارندگی سایبری برسد. علاوه بر این، ایران هنوز به نیروی انسانی متخصص بیشتری در این حوزه نیاز دارد تا بتواند پاسخگویی به تهدیدات پیچیده سایبری را تضمین کند. از این رو جمهوری اسلامی ایران باید به این مؤلفه بازدارندگی، نگاهی عمیق داشته و در جهت تامین امنیت ملی و حفظ استقلال آن، بر حسب عنصر توانایی در مؤلفه‌های بازدارندگی، نقش فعالی را در قدرت سایبری در منطقه را ایفا کند (محمدی‌کیا و شاکر، ۱۴۰۱: ۲۰).

ث) تقویت مؤلفه‌های امنیتی و اطلاعاتی

تقویت بازدارندگی امنیتی و اطلاعاتی در چارچوب استراتژی‌های ملی جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یک مؤلفه اساسی در مقابله با تهدیدات چند بعدی رژیم صهیونیستی شناخته می‌شود. این رژیم با استفاده از ابزارهای پیچیده اطلاعاتی نظیر جاسوسی، خرابکاری سایبری و ترورهای هدفمند نظیر ترور

دانشمندان هسته‌ای و یا ترور افراد سرشناس محور مقاومت تلاش می‌کند تا نقاط ضعف امنیتی و اطلاعاتی ایران را هدف قرار دهد. ارتقاء و تقویت مؤلفه‌های امنیتی اطلاعاتی مستلزم ایجاد چارچوبی چند لایه است که به مدیریت تهدیدات پیچیده و جلوگیری از نفوذهای امنیتی می‌پردازد. این الزامات شامل استقرار سیاست‌های امنیتی سخت‌گیرانه، تقویت زیرساخت‌های فنی و توسعه پروتکل‌های پیشگیرانه می‌شود (حکیم، ۱۳۹۹: ۷۲).

بنابراین بازدارندگی در این حوزه مستلزم ایجاد یک ساختار جامع و هماهنگ است که بتواند به طور هم‌زمان از ظرفیت‌های اطلاعاتی و امنیتی بهره‌برداری کند. امنیت و اطلاعات باید به صورت یکپارچه عمل کنند؛ به گونه‌ای که شناسایی تهدیدات از طریق شبکه‌های پیشرفته اطلاعاتی با واکنش‌های سریع امنیتی همراه باشد (احمدی، ۱۳۹۸: ۴۷). مؤلفه توانایی در این ساختار به معنای تقویت سامانه‌های پیشرفته اطلاعاتی، استفاده از هوش مصنوعی برای تحلیل داده‌ها و توسعه ظرفیت‌های سایبری است که بتواند دشمن را از هر گونه اقدام مخرب ناامید سازد (صادقی و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۴). اعتبار بازدارندگی نیز به توانایی اثبات شده ایران در جلوگیری از نفوذهای و حملات اطلاعاتی باز می‌گردد. نمایش موفقیت‌های عملیاتی، همچون شناسایی شبکه‌های جاسوسی و جلوگیری از حملات سایبری گسترده، به اعتبار بازدارندگی ایران کمک می‌کند. در نهایت، اراده سیاسی و امنیتی کشور در این حوزه نشان‌دهنده قاطعیت ایران در واکنش به تهدیدات است؛ این اراده باید به صورت علنی از طریق نمایش قدرت اطلاعاتی و واکنش‌های دقیق به تهدیدات تقویت شود.

ج) تقویت قدرت پدافندی و آفندی

بازدارندگی به عنوان یک استراتژی امنیتی، مستلزم برخورداری از قدرت پدافندی و آفندی کارآمد است. نظریه بازدارندگی بر سه رکن اساسی یعنی توانایی، اعتبار و اراده استوار است (Jervis, 1979: 300). در این راستا، یک کشور زمانی می‌تواند از تهاجمات احتمالی دشمن جلوگیری کند که نه تنها قدرت دفاعی بالایی داشته باشد، بلکه توانایی انجام حملات تلافی‌جویانه و پیش‌دستانه را نیز دارا باشد (Brodie, 1959: 188). قدرت پدافندی به توانایی یک کشور در دفع حملات دشمن از طریق سامانه‌های دفاع موشکی، جنگ الکترونیک و مقابله با تهدیدات هوایی و سایبری اشاره دارد. در مقابل، قدرت آفندی به قابلیت کشور در انجام حملات پیشگیرانه و توانایی ضربه دوم به دشمن با هدف کاهش توان دشمن و یا جلوگیری از اقدام آن و ایجاد هزینه‌های گزاف برای هر گونه اقدام خصمانه مربوط می‌شود. نظریه‌پردازان بازدارندگی معتقد هستند که ترکیب کارآمد پدافند و آفند، عامل کلیدی

در ایجاد بازدارندگی پایدار محسوب می‌شود (ساعد، ۱۳۸۹: ۹۵). جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر تلاش‌های گسترده‌ای برای توسعه قدرت پدافندی و آفندی خود انجام داده است. سامانه‌های دفاع موشکی «باور ۳۷۳» و «سوم خرداد» نمونه‌هایی از پیشرفت‌های پدافندی ایران محسوب می‌شوند. در حوزه قدرت آفندی نیز، توسعه موشک‌های بالستیک همچون «خرمشهر» و «سجیل» و «فتاح» و پهپادهای انتحاری مانند «شاهد ۱۳۶» بخشی از توان آفندی کشور را تشکیل می‌دهند. با وجود این پیشرفت‌ها، تهدیدات جدیدی که از سوی رژیم صهیونیستی علیه ایران صورت گرفته‌اند، نشان‌دهنده ضعف‌های اساسی در سامانه‌های پدافندی و آفندی کشور است. نمونه بارز این ضعف‌ها در حمله هوایی رژیم صهیونیستی به خاک ایران در آبان ماه ۱۴۰۳ مصادف با ۲۶ اکتبر ۲۰۲۴ آشکار شد. در این حمله، سامانه‌های پدافندی ایران قادر به رهگیری تمامی موشک‌های شلیک شده نبودند و بخشی از زیرساخت‌های حیاتی در غرب کشور آسیب دید. این حمله نشان داد که توانایی دفاع هوایی ایران در برابر حملات پیچیده و چند لایه دشمن نیازمند ارتقا و به‌روزرسانی است. بنابراین جمهوری اسلامی ایران برای افزایش بازدارندگی خود، نیازمند تقویت نیروی هوایی و تجهیز آن به جنگنده‌های پیشرفته است. یکی از مهم‌ترین کاستی‌های فعلی، نبود ناوگان هوایی مدرن و کارآمد برای پوشش گسترده و مؤثر فضای کشور است. در این راستا، تجهیز نیروی هوایی به جنگنده‌های نسل جدید، افزایش تعداد هواپیماهای سوخت‌رسان برای انجام مأموریت‌های طولانی مدت و بهره‌گیری از هواپیماهای آواکس برای پوشش راداری وسیع، از جمله اقدامات ضروری محسوب می‌شود. هواپیماهای آواکس با توانایی شناسایی تهدیدات در فواصل دور و ارائه اطلاعات دقیق به سامانه‌های پدافندی، می‌توانند ضعف پوشش راداری ناشی از شرایط جغرافیایی و مناطق کوهستانی کشور را جبران کنند. در جریان حمله اخیر رژیم صهیونیستی، نبود این توانمندی‌ها باعث شد که برخی موشک‌های دشمن به اهداف مهمی برخورد کنند و خساراتی را به زیرساخت‌های نظامی ایران وارد سازند (جدیدی، ۲۰۲۲: ۱۷۳). البته در کنار توسعه نیروی آفندی، ایران باید بر تقویت سامانه‌های دفاع ضد بالستیک تمرکز کند. یکی از مهم‌ترین تهدیدات علیه امنیت کشور، موشک‌های بالستیک و کروز دشمن است که در حملات اخیر نیز مورد استفاده قرار گرفتند. تجهیز شهرهای بزرگ به سامانه‌های پیشرفته ضد بالستیک می‌تواند نقش مهمی در کاهش آسیب‌پذیری زیرساخت‌های حیاتی ایفا کند (Mirfakhraei, 2007: 104). علاوه بر این، توسعه رادارهای هواپایه و سامانه‌های هشدار زودهنگام، به دلیل محدودیت‌های طبیعی و جغرافیایی در برخی مناطق کشور، ضروری است. مناطق کوهستانی و ناهموار ایران باعث ایجاد نقاط

کور راداری شده و امکان شناسایی سریع حملات را کاهش می‌دهند. استفاده از رادارهای مستقر در هواپیماها می‌تواند این خلأ را پوشش داده و زمان واکنش را برای سامانه‌های دفاعی کشور افزایش دهد. بهره‌گیری از سامانه‌های راداری ماهواره‌ای یک نیاز حیاتی برای بهبود قابلیت‌های شناسایی تحرکات دشمن و رهگیری تهدیدات محسوب می‌شود (عابدینی، ۱۹۹۶: ۷۵). در حمله اخیر، عدم برخورداری از این سامانه‌ها باعث شد برخی موشک‌های دشمن بدون شناسایی دقیق، به اهداف خود اصابت کنند. ایران برای دستیابی به یک بازدارندگی پایدار، باید سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در توسعه ماهواره‌های شناسایی و سامانه‌های ارتباطی پیشرفته انجام دهد. ایجاد شبکه یکپارچه از رادارهای زمینی، هواپایه و ماهواره‌ای، می‌تواند امکان پایش دائمی تحرکات دشمن را فراهم ساخته و آمادگی کشور را در برابر تهدیدات افزایش دهد. در نهایت، ترکیب این اقدامات در کنار توسعه توان آفندی، می‌تواند به تقویت بازدارندگی ایران و کاهش آسیب‌پذیری در برابر تهدیدات رژیم صهیونیستی و سایر دشمنان منطقه‌ای منجر شود.

نتیجه

این پژوهش، با بررسی جامع تهدیدات، چند الزام کلیدی را برای تقویت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات رژیم صهیونیستی شناسایی کرده است. این الزامات شامل تقویت انسجام ملی، تعمیق اتحادهای منطقه‌ای، توسعه دیپلماسی عمومی، افزایش توانمندی‌های سایبری و ارتقای مؤلفه‌های امنیتی و اطلاعاتی هستند. یافته‌ها نشان می‌دهند که انسجام و وحدت داخلی برای مقابله با تهدیدات خارجی ضروری است. ایجاد همبستگی اجتماعی و کاهش اختلافات داخلی به ایران این امکان را می‌دهد که در مواقع بحران از ظرفیت‌های مردمی و حمایت‌های داخلی بهره‌برداری کند. این الزام به تقویت پایه‌های اجتماعی و فرهنگی کشور در برابر فشارهای خارجی کمک می‌کند. در سطح منطقه‌ای، تعمیق همکاری‌ها با محور مقاومت از طریق تقویت روابط با گروه‌های همسو مانند حزب‌الله و حماس اهمیت ویژه‌ای دارد. این اتحادها به ایران کمک می‌کنند تا عمق استراتژیک خود را افزایش دهد و به مقابله با نفوذ و تهدیدات رژیم صهیونیستی بپردازد. این راهبرد، ایران را قادر می‌سازد که هزینه‌های دشمن را در صورت حمله افزایش دهد و حضور منطقه‌ای خود را تقویت کند. یافته‌ها حاکی از آن است که دیپلماسی عمومی به‌عنوان ابزاری برای تقویت بازدارندگی نرم، نقشی کلیدی دارد. با بهره‌گیری از رسانه‌ها و ارتباطات فرهنگی، ایران می‌تواند درک عمومی و حمایت ملت‌های منطقه را به سمت خود جلب کند و از تلاش‌های رژیم صهیونیستی برای منزوی‌سازی خود در منطقه جلوگیری کند. این

امر باعث افزایش اعتبار و نفوذ ایران در سطح منطقه‌ای می‌شود. در دنیای کنونی، توسعه زیرساخت‌های سایبری و تقویت قابلیت‌های دفاع سایبری به‌عنوان یکی از ارکان اصلی بازدارندگی مطرح است. ایران با سرمایه‌گذاری در این حوزه و تربیت نیروهای متخصص می‌تواند از خود در برابر حملات سایبری رژیم صهیونیستی دفاع کرده و حتی در شرایط مقتضی به طور متقابل اقدام کند. این توانمندی سایبری، یک لایه جدید از بازدارندگی ایجاد می‌کند. تقویت زیرساخت‌های اطلاعاتی و امنیتی به ایران این امکان را می‌دهد تا به صورت فعال و مؤثر، تهدیدات خارجی را شناسایی و خنثی کند. بهبود سامانه‌های اطلاعاتی و استفاده از تکنیک‌های پیشرفته در شناسایی و مقابله با تهدیدات، موجب می‌شود که ایران بتواند اقدامات پیشگیرانه بهتری در برابر اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی انجام دهد. تحولات یک سال گذشته نشان داد که راهبردهای سستی بازدارندگی دیگر به تنهایی کافی نیستند و جمهوری اسلامی ایران باید مدل‌های جدیدی از بازدارندگی ترکیبی را دنبال کند. گسترش قدرت محور مقاومت، توسعه فناوری‌های سایبری و افزایش توان دیپلماتیک برای منوی‌سازی رژیم صهیونیستی در سطح بین‌المللی از جمله راهکارهایی است که می‌تواند امنیت منطقه‌ای ایران را تضمین کند. علاوه بر این، تجربه درگیری‌های اخیر ثابت کرد که افزایش هماهنگی میان گروه‌های مقاومت و ارتقاء توان تسلیحاتی آنها، هزینه‌های هر گونه تجاوز نظامی را برای رژیم صهیونیستی افزایش می‌دهد. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران باید ضمن تقویت بازدارندگی نظامی، از ابزارهای سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای نیز برای خنثی‌سازی تهدیدات بهره بگیرد. علاوه بر پنج الزام پیشین، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تقویت قدرت پدافندی و آفندی یکی از مؤلفه‌های حیاتی در افزایش بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات رژیم صهیونیستی است. ضعف‌های موجود در سامانه‌های دفاعی ایران، که در حمله رژیم صهیونیستی به خاک کشور در آبان ماه ۱۴۰۳ نمایان شد، ضرورت توسعه قابلیت‌های دفاعی و تهاجمی را دوچندان می‌کند. بنابراین، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های پدافندی پیشرفته و به کارگیری راهبردهای آفندی کارآمد، می‌تواند هزینه هرگونه تجاوز دشمن را افزایش داده و سطح بازدارندگی ملی را ارتقاء بخشد.

راهکارهای پیشنهادی

- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری صداوسیما و شبکه‌های اجتماعی، برنامه‌هایی برای ترویج فرهنگ ایثار، شهادت و افزایش همبستگی ملی طراحی و اجرا کنند.
- وزارت امور خارجه با تقویت روابط و بهره‌گیری از ظرفیت شورای عالی امنیت ملی، تعاملات

راهبردی منطقه‌ای را گسترش دهد.

- سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با همکاری سازمان همکاری اسلامی، پروژه‌های فرهنگی و دیپلماتیک مشترک برای تقویت نفوذ نرم جمهوری اسلامی اجرا کند.
- مرکز ملی فضای مجازی و سازمان پدافند غیر عامل با همکاری دانشگاه صنعتی شریف و پژوهشگاه ICT، سامانه‌های بومی دفاع سایبری را توسعه داده و با ITU و سازمان همکاری شانگهای در زمینه امنیت سایبری تعامل داشته باشند.
- وزارت دفاع با تمرکز بر ارتقاء سامانه باور ۳۷۳، تقویت توان جنگ الکترونیک و پهپادهای تهاجمی، و برگزاری رزمایش‌های مشترک منطقه‌ای، بازدارندگی دفاعی کشور را به طور مؤثر افزایش دهد.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- احمدی، وحیده (۱۳۹۸). جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی، تقابل راهبردی و راهبردهای متقابل. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی شدن)، ۹ (۳۳)، ۲۴-۵۳.
- ۲- آجلو، حسین، و حاج زرگرباشی، سیدروح‌اله (۱۳۹۶). امنیت رژیم صهیونیستی در رویارویی با همگرایی در منطقه شامات. فصلنامه سیاست دفاعی، ۲۵ (۹۸)، ۹-۳۷. **Dor:20.1001.1.10255087.1396.25.98.1.4**
- ۳- بهرامی، زهرا، و عراقچی، سیدعباس (۱۳۹۶). تهدیدات جدید امنیتی رژیم صهیونیستی. سیاست دفاعی، ۲۵ (۹۸)، ۱۶۲-۱۲۷. **Dor:20.1001.1.10255087.1396.25.98.5.8**
- ۴- جدیدی (۲۰۲۲). ارتقاء آمادگی جسمانی خلبانان شکاری نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با اتکاء بر تمرینات استقامتی. علوم و فنون نظامی، ۱۸ (۶۰)، ۱۴۷-۱۶۶.
- ۵- حکیم، حمید (۱۳۹۹). تاثیر عوامل ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی بر امنیت آن. فصلنامه گفتمان راهبردی فلسطین، ۲ (۴)، ۵۴-۸۷.
- ۶- دهشیری، محمدرضا، و بهرامی، زهرا (۱۳۹۵). عرصه‌های تقابل هوشمند انقلاب اسلامی با رژیم صهیونیستی. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۳ (۴۵)، ۱۳۳-۱۴۸. **Dor:20.1001.1.20085834.1395.13.45.7.9**
- ۷- زنجانی، داوود (۱۳۹۹). راهبردهای مقابله با تهاجم هوایی رژیم صهیونیستی. مطالعات دفاعی/استراتژیک، ۱۸ (۸۰)، ۸۳-۱۰۴.
- ۸- ساعد، نادر (۱۳۸۹). بازدارندگی نرم، مبانی و کاربردهای دفاعی آن. فصلنامه راهبرد دفاعی، ۸ (۲۸)، ۸۷-۱۱۵.
- ۹- شلینگ، توماس (۱۴۰۱). تسلیحات و نفوذ، ترجمه غلامعلی چگنی‌زاده، نشر ابرار معاصر، تهران.
- ۱۰- شمس دولت‌آبادی، سید محمدرضا، و عسگری، مهدی (۱۳۹۸). تأثیر ژئوپلیتیک سوریه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با رژیم صهیونیستی، فصلنامه امنیت ملی، ۹ (۳۳)، ۲۵-۵۲.

Dor:20.1001.1.33292538.1398.9.33.2.0

۱۱- صادقی، علی؛ احمدی، سیدعباس، و حسین خانی، روح‌اله (۱۴۰۰). تنگناها و چالش‌های راهبردی و ژئوپلیتیکی

رژیم صهیونیستی. *فصلنامه جغرافیا*، ۱۹ (۶۹)، ۸۳-۹۸. **Dor: 20.1001.1.27172996.1400.19.69.5.3**

۱۲- صفی‌پور، حبیب‌اله؛ کریمی فرد، حسین؛ عامری گلستانی، حامد، و عبدالخانی، لنا (۱۴۰۳). سازمان‌های اطلاعاتی

آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی و مسئله هسته‌ای ایران. *فصلنامه امنیت ملی*، ۱۴ (۵۲)، ۲۵۷-۲۹۰.

۱۳- عابدینی (۱۹۹۶). تحول فعالیت‌های نظامی در پرتو ماهواره‌ها. *سیاست دفاعی*، ۱۴، ۶۸-۹۳.

۱۴- غفاری‌زاده، مهرشاد (۱۹/۰۵/۱۴۰۱). جنایت جدید رژیم صهیونیستی علیه غزه: دلایل و پیامدها. تهران، ایران: مرکز

پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۱۵- فرهادی، فرشید، و یزدانی، عنایت‌اله (۱۳۹۸). بازسازی مفهومی و نظری بازدارندگی در سامانه‌های پیچیده و آشوبی.

فصلنامه سیاست دفاعی، ۲۸ (۱۰۹)، ۴۳-۹. **Dor:20.1001.1.10255087.1398.28.1.1.**

۱۶- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۶). نگرشی تئوریک بر طراحی مدل بازدارندگی سیاست خارجی ایران. *فصلنامه ژئوپلیتیک*،

۱۳ (۷)، ۹۷-۱۲۷. **Dor:20.1001.1.17354331.1386.3.7.5.0**

۱۷- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۸). الزامات تئوریک بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه روابط خارجی*،

۱ (۳)، ۵۵-۸۳. **Dor:20.1001.1.20085419.1388.1.3.3.2**

۱۸- کشوردوست، علیرضا، و نادم، حامد (۱۳۹۱). تجزیه تحلیل توانمندی‌های ژئواستراتژیک رژیم صهیونیستی و تاثیر

آن بر ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی (چشم‌انداز*

جغرافیایی)، ۷ (۱۹)، ۳۸-۵۸.

۱۹- گلشنی، علیرضا، و باقری، محسن (۱۳۹۱). جایگاه حزب‌الله لبنان در استراتژی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران.

فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۴ (۱۱)، ۱۲۳-۱۵۶.

۲۰- متقی، ابراهیم، و ملکی عزین آبادی، روح‌اله (۱۳۹۹). بازاندیشی در راهبرد بازدارندگی با کاربری نظریه

سازه‌نگاری. *فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، ۱۰ (۳۸)، ۲۸۵-۳۱۲.

Dor:20.1001.1.24234621.1399.10.38.9.9

۲۱- محمدی‌کیا، طیبه، و شاکر، علی (۱۴۰۱). راهبرد رژیم صهیونیستی در بلندی‌های جولان و رویکرد جریان مقاومت.

فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، ۱۱ (۲) (پیاپی ۲۴)، ۷-۲۷.

Dor: 20.1001.1.23225645.1401.11.2.1.0

۲۲- موسوی، حامد (۱۳۹۴). آمریکا و رژیم صهیونیستی: ظهور و سقوط یک همکاری استراتژیک. نگاه ایرانی روابط

خارجی (ایرفا)، ۶ (۱) (پیاپی ۲۱)، ۵۳-۷۸.

۲۳- نصیرزاده، عزیز؛ جلالی نسب، عبدالله، و خادم دقیق، امیرهوشنگ (۱۴۰۳). جنگ ترکیبی علیه نظام جمهوری اسلامی

ایران (مطالعه موردی: عوامل اثرگذار، پیشران‌ها و ابزارها، اهداف و نقاط آماج دشمن). *فصلنامه امنیت ملی*،

۱۴ (۵۱)، ۳۲-۹. **Dor:20.1001.1.25383329.1403.14.51.1.5**

- 1- Brodie, B (1959). *The anatomy of deterrence*. World Politics, 11(2), 173-191.
- 2- Hatoum, Talal. (2020). *Developments of Arabs' Positions Regarding Normalization*. Quarterly Journal of Palestine of strategic Discourse, 2(4), 188-183.
- 3- Mirfakhraii, H. (2007). US missile defense shield stability crisis in Europe at: goals Keywords. Public Law Research, 9(22), 99-141.
- 4- Jervis, R (1979). *Deterrence theory revisited*. World Politics, 31(2), 289-324.
- 5- Katz, Brian (2018). Axis Rising, Irans Evolving Regional Strategy and Non-State Partnerships in The Middle East, *CSIS: Center for Strategic & International Studies*, October.1-12 Available: <https://www.csis.org/analysis/axis-rising-irans-evolving-regional-strategy-and-non-state-partnerships-middle-east>.
- 6- Soufan, Ali (2018). "Qassem Soleimani and Iran's Unique Regional Strategy" *Combating Terrorism Center*, November, Volume 11, Issue 10.1-13. Available: <https://ctc westpoint.edu/qassem-soleimani-irans-unique-regional-strategy/>
- 7- Tabatabai, Ariane& Clarke, Colin(2019). *Iran's Proxies Are More Powerful Than Ever*, *Foreign Policy*, October 16, 2019. Available at: <https://foreignpolicy.com/2019/10/16/irans-proxies-hezbollah-houthis-trump->
- 8- Yadlin, Amos (2020). *Normalization of Israeli ties with the Persian Gulf Countries*. Quarterly Journal of Palestine of strategic Discourse, 2(4), 34-70